

**در کنار فرانسوا تروفو**

از موج تا توفان

محمدسیدعلی



در اواخر دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ گروهی از فیلمسازان فرانسوی دست به نوعی دگرگونی در سینمای فرانسه زدند که به «موج نو فرانسه» شهرت یافت. این دگرگونی تحت نفوذ فیلم‌های سینمای «نئورئالیسم» ایتالیا صورت گرفت که در آنها از هنرپیشه‌های غیرحرفه‌ای استفاده می‌شد و داستان‌های طبقات کارگر را به تصویر می‌کشیدند. گرچه موج نو هرگز به‌طور رسمی به عنوان یک حرکت سازمان یافته مطرح نبوده است اما فیلمسازان پیرو آن از طریق نوعی مخالفت خودآگاهانه با ساختار سنتی سینمای فرانسه به آن پیوند می‌خوردند. از میان فیلمسازان پیشگام در موج نو می‌توان به اسامی بزرگی چون ژان لوک گودار، اریک رومر، کلود شابرول و ژاک ریوت اشاره کرد که به عنوان منتقد در مجله معروف سینمایی «کایه دو سینما» مشغول به کار بودند اما در این میان فرانسوا تروفو به عنوان یک کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس، تهیه‌کننده و هنرپیشه، نقش کاملاً برجسته‌ای در «موج نو سینمای فرانسه» دارد.فرانسوا تروفو، ششم فوریه ۱۹۳۲ در شهر پاریس متولد شد. سال‌های ابتدایی زندگی خود را زیر نظر پرستاران کودک سپری کرد اما شوق او به کتاب و موسیقی زمانی پدیدار می‌شود که مادر بزرگش نگهداری از او را برعهده می‌گیرد و میان پسر جوان و این دو عالم بی‌انتها نوعی دوستی ایجاد می‌کند. زندگی او با مادر بزرگ تا ۱۰ سالگی ادامه می‌یابد اما مرگ پیرزن باعث می‌شود تا فرانسوا راه خانه مادر و پدرخوانده‌اش را در پیش گیرد و برای اولین بار زندگی با آنها را تجربه کند. از آنجا که فرانسوا کودکی ناخواسته بود، در خانه مورد بی‌مهری مادر قرار می‌گرفت در حالی که پدرخوانده‌اش با او رفتار بهتری داشت. هر بار که این زوج به مسافرت می‌رفتند پسرک در خانه منتظاری تنهایی را تجربه می‌کرد و بنابراین فرانسوا تا آنجا که می‌توانست وقت خود را با دوستانش سپری می‌کرد تا از خانه دور بماند و سینما بهترین راه گریز او از این محیط نچندان دلچسب بود. اولین فیلمی که تروفو دید «بهشت گمشده» به کارگردانی ابل گانس بود. او این تجربه را در ۸ سالگی کسب کرد و از آن به بعد اشتیاق او نسبت به سینما آغاز شد. فرانسوا غالباً از مدرسه فرار می‌کرد و از آنجا که پول کافی برای خرید بلیت نداشت به‌صورت مخفیانه و بدون اجازه وارد سالن‌های تئاتر می‌شد و نمایش‌ها را می‌دید. پس از اخراج از چندین مدرسه، فرانسوا تصمیم می‌گیرد تا خودش آموزش و تعلیم خود را به عهده بگیرد.از اهداف او این بود که هر روز سه فیلم تماشا کند و هر هفته سه کتاب بخواند. اشتیاق او با کارگردان فرانسوی، آرنی لانگلو باعث شد که تروفو در مقابل حجم وسیعی از فیلم‌های خارجی سراسر جهان قرار گیرد و به این ترتیب به سینمای ایالات متحده و کارگردان‌هایی نظیر جان فورد، هوارد هاکس و آلفرد هیچکاک علاقه‌مند شود.

در سال ۱۹۴۸ و سپس از برپایی یک کلوپ فیلم، تروفو با «آندره بز» منتقد معروف سینما آشنا می‌شود تا زندگی او وارد عصر تازه‌ای شود. «بز» که خود مدیر یک انجمن فیلم و سینما بود از نظر شخصی و حرفه‌ای تاثیر بسیاری روی تروفو گذاشت چرا که به عنوان یک دوست او را در برابر بسیاری از مشکلات مالی و خطرناکی‌ها مانند بزهرکاری حمایت می‌کرد.در سال ۱۹۵۰ فرانسوا تروفو به ارتش فرانسه می‌پیوندد اما دو سال بعدی را با فرار از ارتش سپری می‌کند تا به جرم ترک ارتش دستگیر شود. در این زمان آندره بز با استفاده از روابط سیاسی‌اش موجب آزادی تروفو شده و او را در مدرسه سینمایی تازه تأسیس خود با نام «کایه دو سینما» مشغول به کار می‌نماید فرانسوا تروفو یکی از مهم‌ترین نظریه‌های سینمایی را با نام «تئوری مولف» بنیان نهاد که بر اساس آن فیلم یک کارگردان بازتاب دهندهٔ شخصیت خلاقانهٔ اوست؛ گویی خود کارگردان مولف اولین آن است. در سال ۱۹۵۴ و با نگارش مقاله‌ای با عنوان «یک گرایش خاص از سینمای فرانسه» تروفو اظهار می‌کند که یک فیلم برای یک کارگردان مانند کتابی است که می‌نویسد و کارگردان‌های بزرگی چون رونوار و هیچکاک دارای سبک خاصی هستند که وارد همه آثار آنها شده و در آنها نشسر می‌یابد. گرچه این نظریه در آن زمان مورد استقبال چندانی قرار نگرفت اما در سال ۱۹۶۰ و به‌وسیله منتقد معروف آمریکایی آندرو سارایس مورد توجه واقع شد. در ادامه

تروفو تصمیم می‌گیرد دست به کارگردانی بزند و در سال ۱۹۵۵ با ساخت فیلم «یک ملاقات» خود را به عنوان یک کارگردان مطرح می‌سازد. پس از دیدن فیلم «شانی از شر» به کارگردانی اورسن ولز، تروفو تصمیم می‌گیرد فیلم «۴۰۰ ضربه» را بسازد؛ فیلمی که جایزه بهترین کارگردانی جشنواره «کن» را برای او به همراه آورد و در حالی که تنها یک سال پیش او را از حضور در آن محروم کرده بودند. «۴۰۰ ضربه» داستان نوجوانی به نام آنتوان دولن را دنبال می‌کند که میان پدر و مادری که مشکلات احساسی شدیدی پیشان حاکم است و دوران نوجوانی پرتلازوا اسیر شده. شایسته‌های زیادی میان دولن و والدین او دیده شد و می‌توان به عدم وجود عشق میان والدین آنها، بزهرکاری و فرار از ارتش اشاره کرد. این فیلم شروع موج نو را رقم زد.فیلم «فرهاتپا» ۴۵۱ اولین فیلم انگلیسی‌زبان و رنگی تروفو بوده که در آن علاقه او به کتاب کاملاً مشهود است.اولی تروفو که فیلم‌هایش چندین پرهزینه نبودند، بودجه زیاد این فیلم و عدم تسلط او به زبان انگلیسی چالش‌برانگیز بود اما در سال ۱۹۷۳ وی موفق شد جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی را برای «روز در آرای شب» دریافت کند.

هدف اصلی کارگردان بزرگ ساختن ۳۰ فیلم و اعلام باززنستگی و به دنبال آن شروع نگارش کتاب بود اما پس از ساختن فیلم بیست و پنجم و در سال ۱۹۸۴ فرانسوا تروفو در اثر تومور مغزی در شهر «ت دو سین» درگذشت. وی در زمان مرگ ۵۲ سال بیشتر نداشت.

چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۸

□ فقط برای شروع

خیراندیش حدوداً ۳۲ساله بود که به دعوت اصغر هاشمی اولین حضور خود مقابل دوربین را با فیلم سینمایی «روزهای انتظار» رقم زد. او در این فیلم به خاطر اینکه نقش محوری نداشت، نتوانست خودی نشان بدهد اما در عین حال همین حضور حرفه‌ای شدد برای ثبت حضوری مداوم در سینما. پس از این و درست یک سال بعد با فیلم سینمایی «با من از فردا بگو» مقابل دوربین فریدون کوچکیان رفت و به عنوان پارتنر اصلی سیروس گرجستانی به ایفای نقش پرداخت.

همزمان با این فیلم، برای نخستین‌بار حضور در تلویزیون را هم تجربه کرد. او که تاکنون فقط دو بار رنگ پرده سینما را دیده بود، با حضور در سریال «مدرس» جای خود را در میان خانواده‌های ایرانی هم باز کرد تا از این پس هرکس او را در خیابان می‌دید با انگشت نشانش دهد! خیراندیش که ظاهراً تصمیم گرفته بود همچنان پرکار در صحنه حاضر باشد، در سال ۶۷ بازی در فیلم سینمایی «شب حادثه» را (این بار

هم برای یکی از نقش‌های فرعی) پذیرفت تا هرچه زودتر از این پروژه فارغ شود و به «شاخه‌های بید» بپیوندد. او هنوز بازی در این فیلم را تمام نکرده بود که کیانوش عیاری درصدد تولید یکی از کمدی‌های موفق آن روزها برآمد و تصمیم گرفت از خیراندیش برای بازی در فیلم دعوت کند. به این ترتیب پرونده سومین سال فعالیت هنری گوهر خیراندیش، هم در «روز باشکوه» بسته شد تا او از این به بعد با وسواس بیشتری به کار خود ادامه دهد.

□ ابتدای ناکامی‌ها

او سال ۶۸ را با هنرنمایی ستودنی‌اش در فیلم سینمایی «زیر بام‌های شهر» آغاز کرد و با همین فیلم هم موفق شد برای دریافت ششمین بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن در دوره جشنواره جشنواره فیلم فجر کاندیدا شود. او اگر چه موفق به دریافت این جایزه نشد اما تصمیم گرفت از این پس با وسواس بیشتری به فعالیتش ادامه دهد. در این سال حضور در سریال «آینه» عمده وقت خیراندیش را صرف خود کرد و به این ترتیب سال ۶۸ در حالی تمام شد که او یک فیلم روی پرده داشت و یکی در قاب جادویی.

«همه یک ملت» و «سایه خیال» ۲ فیلم نه چندان مهمی بودند که فقط جنبه محکم نگه داشتن ریسمن فالبیتی خیراندیش را در سال ۶۹ ایفا کردند و درست پس از آن موفق به خیراندیش (که حالا دیگر ۲۷ساله شده بود) در ۲ فیلم به یادماندنی سینما یعنی «مدرس پیرمردها» و «بانو» نقش آفرینی کرد تا یکی از ماندگارترین بازی‌هایش در مقابل دوربین دریاوش مهرجویی رقم بخورد.

□ بازی‌های مداوم با یار دین

خیراندیش حالا دیگر وارد پنجمین سال فعالیت هنری خود شده بود و طبیعتاً مثل خیلی‌های دیگر به دنبال حق ضایع شده خود در کفر سینمای ایران بود. او در این سال در ۳ فیلم به طور مداوم با همسر (حالا دیگر هم‌حوش) جمشید اسماعیل‌خانی همبازی «دیوار» و بدین ترتیب «عیال‌سوار»، «یک مرد، یک خرس» و «لبه تیغ» با فاصله‌های چند س‌ه‌ا از هم، روی پرده رفت. در این میان برخلاف انتظارها، «عیالوار» از دو فیلم دیگر بیشتر دیده شد.

او در همین سال با سریال «آینه‌ها وصل» به تلویزیون بازگشت و چند ماه پس از آن نیز «روزی روزگاری» را به عنوان دومین همکاری خود با امرالله احمدجو تجربه کرد که همچون «آینه» به یکی از پرطرفدارترین سریال‌های تلویزیون تبدیل شد.

خیراندیش حدود ۲ سال را در بیکاری گذراند تا بلکه به یک حضور متفاوت روی پرده سینما، حاضر شود، بر همین اساس در سال ۷۴ با فیلم سینمایی «بوی خوش زندگی» به سینما آمد. حضور او در این فیلم، با توجه به سابقه هنری‌اش نشان از این داشت که او به‌طور مداوم در تلاش است تا خیراندیش را به‌عنوان پیام‌آور صلح و دوستی ایران در جهان معرفی کرد. برپایه این گزارش، در مراسم افتتاحیه این جشنواره، کیانوش عیاری، خسرو سینایی، فاطمه معتمدآریا، رضا کلبیان، حمید جبلی، محمدعلی طالبی، اصغر فرهادی، مهرداد اسکویی، رخشان بنی‌اعتمادوابوالفضل جلیلی به‌عنوان سفیران «آسا» معرفی شدند خسرو سینایی، کارگردان سینما بعد از دریافت نشان خود از فعالیت در این زمینه، ابراز خوشحالی کرد و فاطمه معتمدآریا هم این حرکت را مقدمه‌ای برای شروع آشتی جهانی عنوان کرد و گفت: موجب افتخار من است که به عنوان یک هنرمند سینمایی می‌توانم سفیر صلح باشم. آنچه باعث می‌شود برای این کار محکوم‌تر قدم بردارم، جهان آشنفتای است که در دنبال محبت می‌گردد و چون در کشور ما هیچکس با مهر و محبت بیگانه نیست شاید این راهی باشد که رو در رو با هم صحبت کنیم به‌جای اینکه بجنگیم.

حمید جبلی، بازیگر سینمای ایران هم در بخش دیگری، سینما را از برای این آشنایی جهانیان با مفاهیم بشردوستانه دانست و اظهار کرد: امیدوارم اگر ما سینمایی‌ها، شهرت و محبوبیتی داریم، بتوانیم در این جهت انسانی از آن استفاده کنیم. مهرداد اسکویی، کارگردان هم در پی انتخاب به‌عنوان سفیر «آسا» گفت: من به نمایندگی از تمام فیلمسازان مستند اینجا هستم. امیدوارم توجه دوستانمان را به این مضامین جلب کنم. در اشعار قدما همیشه مهر، دوستی و خلق دنیایی بهتر وجود دارد. امروز سینمای ایران جای شعر

سینما

کارنامه هنری گوهر خیراندیش در ۱۰ اپیزود

# پرش از ارتفاع پست

مسعودحک‌آبادی



♦ حالا دیگر می‌شود با اطمینان بیشتری نسبت به قبل گفت و نوشت که گوهر خیراندیش از پس هر نقشی برمی‌آید؛ از نقش زن آرام و باطمینانه‌ای که در سریال پرطرفدار «آینه» بازی می‌کرد، تا زن خجالت‌زده «دعوت» و حتی همین «شمسی‌پلنگ» دوست‌داشتنی «شک‌ها و لیخنده‌ها»، او ثابت کرده که عاشق تجربه کردن نقش‌های مختلف است اما نه به قیمتی که اعتبار هنری‌اش زیر سوال برود. گوهر خیراندیش از سال ۶۵ که اولین فیلم سینمایی‌اش را بازی کرد با احتساب آخرین فیلمش که حضورش در یک انیمیشن را رقم زده تا به حال در ۴۱فیلم سینمایی ایفای نقش کرده که در این میان سال‌های ۸۰، ۸۵ و ۸۷ هر سال با چهار فیلم پرکارترین سال‌های این بازیگر کهنه‌کار سینما محسوب می‌شود.

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

سیدرضا

وطن امروز «شماره ۱۲۷

از این به عنوان بهترین بازیگر نقش مکمل زن سال از نگاه نویسندگان و منتقدان سینمایی معرفی شد.
□ آغاز حضور در گیشه

حالا دیگر چند سالی می‌شد که خیراندیش را فقط باید در نقش مادر یا مادر بزرگ فیلم‌ها قبول کرد یا حداقل کسانی که سن‌شان در همین حدود است. او در سال ۸۱ حضوری کوتاه اما موثر در «واکنش پنجم» میلانی داشت و به همین خاطر تندیس زرین بهترین بازیگر نقش مکمل زن را نیز از هفتمین دوره جشن خانه سینما به خانه برد. این در حالی بود که او پیش از این به عنوان نامزد دریافت این جایزه از فجر بیست و یکم تقدیر شده بود. اما حضور مقابل دوربین میلانی تنها فعالیت هنری او در سال ۸۱ نبود، بلکه او در دو نقش کاملاً متمایز در فیلم‌های «توکیو بدون توقف» و «رسم عاشق کشتی» ظاهر و موفق شد برای دومین‌بار سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن را در بیست‌ودومین جشنواره فیلم فجر از آن خود کند.

□ قدم در جاده خاکی

«سیزده گریه روی شیروانی»،

«تقاب»، «مکس» و «گل بیخ» را می‌توان به واقع نزول هنری گوهر خیراندیش دانست. او درست از همین فیلم‌ها بود که مسیر نزولی خودش را آغاز کرد، ولی خوشبختانه این به معنای غروب همیشگی نبود، بلکه خیراندیش با حضور در مجموعه‌های تلویزیونی موفق توانست به یکی از محبوب‌ترین و موفق‌ترین چهره‌های رسانه ملی بدل شود. او بعد از اینکه «مهاکمه» و «قاعده بازی»، «خواستگار محترم»، «بی‌وقفا» و «ایرود رنگی» را بسازی کرد با حضور در سریال «میوه موزعه» یکی از بهترین هنرنمایی‌های تلویزیونی خود را رقم زد. او در این سریال که یکی از پرریننده‌ترین مجموعه‌های ماه رمضان بود در مقابل علی نصیریان به زیبایی نقش همسرش را بازی کرد تا اینکه مدتها تصاویر متعدد او و دیگر بازیگران هم‌عصری روی جلد بیشتر نشریات کشور باشد.

□ چند اشتباه کوچکو

اما بعد از این و در سال ۸۷ او دوباره به پرده نقره‌ای بازگشت و «ایلم» «یک اشتباه کوچکو»، «کاترلیتی غیرانتفاعی» و «صندلی خالی» را بازی کرد که هنوز هیچ کدامشان رنگ پرده را ندیده‌اند. اما در همین اثنا بود که حاتم‌یا تصمیم گرفت متفاوت‌ترین فیلمش را کارگردانی کند و باز برای ایفای نقش اصلی اپیزود سوم، کسی را بهتر از خیراندیش پیدا نکرد. این بار هم گوهر خیراندیش یکی از متفاوت‌ترین بازی‌هایش را تقدیم حاتم‌یا کیا کرد تا همگان برگ برنده «عوض» را حضور تاثیرگذار او بدانند. خیراندیش برای همین فیلم تندیس زرین بهترین بازیگر جشن خانه سینما را از آن خود کرد و باز ثابت کرد که پس از ۵۳سالگی هم همچنان پرکار و پرتلازنی است. پس از این، خیراندیش به یک دعوت متفاوت به پاسخ گفت و در فیلم سینمایی «تهران ۱۵۰۰» در حالی که حضوری کارتونی داشت، به جای شخصیت خودش صحبت کرد!

□ و اما...شک‌ها و لیخندها

پس از این و در حالی که به دلیل آسیب‌دیدگی هنگام فیلمبرداری سریال بهژاد فراهانی، مدت‌ها از خیراندیش خبری نبود، اخبار سریال جدید حسن فتحی منتشر شد. این در حالی بود که اخبار حکایت از ساخت یک سریال نوروزی داشت، اما «شک‌ها و لیخندها» به پیش بعد از نوروز رسید و به یکنار حضور خیراندیش روی شیشه قاب جادویی تلویزیون، آن هم در سکانس اول سریال همه را شگفت‌زده کرد. خیراندیش در این سریال، نقش «همه شمسی» یا همان «شمسی‌پلنگ» را بازی کرده؛ نقشی که کمترین شباهتی به خودش ندارد. او در این فیلم ثابت کرد همچنان می‌شود به عنوان یک بازیگر غیرقابل پیش‌بینی از او یاد کرد. یک بار دیگر تصور کنید، سکانس‌های مجالده دیندی او با مهدی هاشمی را؛ یک زن خلاقکار دوست‌داشتنی!

مهر و اسنادوستی در میان ایرانیان اشاره کرد و این ویژگی را دلیلی برای برگزاری جشنواره فیلم‌های اسنادوستانه آسا دانست. وی افزود: با این خصوصیات حدود یک سال قبل با مدیر انجمن سینماگران آینده در این رابطه صحبت کردم. در ابتدای امر بودجه کمی داشتم ولی نیک‌اندیشان در سازمان‌های بین‌المللی ما را یاری کردند. خوشحالم با یاری هنرمندان سینمایی و تجسمی، انسایت را اشاعه می‌دهیم. با عنایت به قدرت سینما در روند گسترش مفاهیم بشردوستانه امیدواریم شاهد رواج بیشتر این مفاهیم باشیم. مجید مصاحبی، دبیر جشنواره در ادامه به تشریح گزارش‌ای از روند این برنامه پرداخت: جشنواره از مرداد سال قبل فعالیت خود را به همت معاونت سینمایی و با کسب مجوز شروع کرد. با توجه به اینکه ما در سه بخش مستند، داستانی و انیمیشن و با سه موضوع دایره‌های دوستی، سایه‌های سفید و معنویت و تمدن متمرکز بودیم، هر یک از این موارد که از لحاظ کمی در مجموعه جشنواره‌های کشور نیزبازیم ولی مضمون این جشنواره می‌تواند در قالب یک اندیشه متبلور شود. به همین دلیل تلاش می‌کنیم بعد از برگزاری اولین دوره در فرصتی که تا برپایی دومین دوره آن داریم به پیگیری مفاهیم بپردازیم تا سهم کوچکی در انتقال آنها داشته باشیم. نخستین جشنواره فیلم‌های اسنادوستانه آسا تا ۱۱ اردیبهشت در سینما فلسطین برگزار می‌شود.

تازه‌های فرهنگ

جایزه شهید آوینی فرصتی برای

دیگرشناسی و خوبشتن‌یابی



وطن امروز: محمدحسین صفرهرزندی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی، برگزاری «جایزه بزرگ شهید آوینی» را فرصتی یگانه برای دیگرشناسی و مهم‌تر از آن، خویشتن‌یابی و خودشناسی عنوان کرد. وی در این پیام تاکید کرد: شکل‌گیری ایده اعطای جایزه بزرگ شهیدآوینی به برترین مستندهای سال و تلاش مستمر برای اجرایی کردن این تصمیم در دوره نخست و برپایی دومین دوره این مراسم، باید همسو با چنین نگرشی محقق شود. از این رو شایسته است که سینمای مستند از این فرصت به دست آمده در راه اعتلای حق در همه ابعاد بهره گیرد.

♦♦♦

همه مجموعه‌های مهدی اخوان ثالث

در قطع جیبی

ایستا: مجموعه‌های شعر مهدی اخوان ثالث در قطع جیبی منتشر شد. زرتشت اخوان ثالث، فرزند این شاعر گفت: این مجموعه همه شعرهای اخوان ثالث را شامل مجموعه‌های چاپ‌شده دربرمی‌گیرد.

♦♦♦

رمانی از سرشار

به انگلیسی ترجمه شد



وطن امروز: نسخه انگلیسی

رمان «انک آن یتیم نظر کرده»

نوشته محمدرضا سرشار با

ترجمه جیمز کلارک منتشر شد. این رمان درساره زندگی

شداوین دوره نمایشگاه «هنر معنوی» ۵ سال پیش

در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد که به آثار نقاشی و هنر جدید اختصاص داشت. در دومین دوره این نمایشگاه نیز شاهد آثاری از هنرمندان مطرح کشورمان با نگاهی معنوی خواهیم بود.

♦♦♦

نمایشگاهی از ۱۴دهه بازیگری

«اربرت دنیرو»



ایستا:کلکسیونی از فیلمنامه‌ها،

فیلم‌ها ولباس‌های بازیگری

منتقل به «اربرت دنیرو» از روز

گذشته در نمایشگاهی در

تگزاس در معرض نمایش

قرار گرفت. موزه علوم انسانی

دانشگاه تگزاس از دیروز کلکسیونی از فیلمنامه‌ها،

فیلم‌ها، عکس‌ها و لباس‌های بازیگری «اربرت دنیرو»

را به نمایش گذاشته است.

♦♦♦

«کلاه پهلوی» در تدارک سفر به فرانسه

فارس: گروه سازنده «کلاه پهلوی» در تدارک هستند تا پس از اتمام فیلمبرداری در شهرک غربی برای بخش‌های باقیمانده به فرانسه سفر کنند. سریال «کلاه پهلوی» به تهیه‌کنندگی محمدرضا تخت‌شیران و ۳۰ قسمت ۵۰ دقیقه‌ای برای گروه فیلم و سریال شبکه اول سیما تهیه می‌شود و در صورت فراهم شدن شرایط، در سال ۸۸ روی آنتن خواهد رفت.

♦♦♦

انتشار قرآن کریم با رسم الخط ایرانی

برای نخستین بار

فارس: قرآن کریم با خط غلامرضا صف مهدوی و ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی تا ۱۰ روز دیگر انتشار می‌یابد. محمد خواجوی، رئیس سازمان دارالقرآن کریم اظهار داشت: در نگارش این قرآن قرار بود خط عثمان طه را به خط رسم‌الاملا برقرانیم اما به دلیل جدلاتی بین خط ایرانی برای ایرانیان و همچنین آموزشی بودن خط غلامرضا صف مهدوی تصمیم به استفاده از این خط گرفتیم.

♦♦♦

«دارکوب» با صدای مدیری و بهداد

منتشر می‌شود

فارس: تصویرسیرپرست گروه دارکوب، با اشاره به انتشار آلبوم «دارکوب» بیان داشت: این آلبوم شامل ۱۱ قطعه از اجراهای گروه است که در ابتدای این آلبوم یک کلیپ با عنوان حیران از صدای مهران مدیری به چشم می‌خورد. مابقی قطعات همان قطعاتی است که در کنسرت‌های قبلی روی صحنه بردایم که در بین این قطعات، آهنگ‌هایی با صدای حامد بهداد هم وجود دارد.

♦♦♦

خمسه، مجری اختتامیه تئاتر

دانشگاهی شد

ایستا: علیرضا خمسه، مجری اختتامیه دوازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر دانشگاهی شد.محمد عاقبتی، کارگردان مراسم اختتامیه گفت: همزمان با برگزاری این مراسم در روز ممل - ۱۲ اردیبهشت‌ماه از ۱۰ تا ۱۱ بزرگان هنرمند نسل اول تئاتر تجلیل خواهیم کرد که این بخش اصلی‌ترین بخش مراسم ما در کنار اهدای جوایز است.

♦♦♦

جایزه «چاپلین» به «تام هنکس» رسید

ایستا: «تام‌هنکس» بازیگرشش‌پرونده‌اسکار، جایزه بزرگداشت مرکز فیلم «لیگکولن» آمریکا را

دریافت کرد. مرکز فیلم «لیگکولن» روز گذشته در

مراسمی، جایزه ویژه «چارلی چاپلین» ابراری تقدیر از یک عمر دستاورد سینمایی به هنکس اعطا کرد.

در این مراسم چهره‌های سرشناسی چون «استیون اسپیلیبرگ»، «جارج لیتون» و «جولیا روبرتز» حاضر بودند.